مجله فکاهی

ملانصرالدین



۳۷ سال چهارم
شماره نخست





مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.





















سر و ته مقاله



چهار سال می‌شه چقذه؟ زیاده!؟

نع! همچی زیاد هم نیست. یادتون رفت؟ انگار همین دو، سه روز پیش بود که وایمی‌سادین سر دبیرستان دوخترونه؛ تا اون دوختر دبیرستانی‌ها رو با اون اوپل‌های گنده‌های مدل قدیمشون دید بزنین. تازه دولت فخیمه هم کلی هزینه می‌کرد تا چهار تا آدم بی‌کار رو بنشونه توو یکی از پاترول‌ها تا مواظبتون باشه، شرع مقدس را زیر پا نذارین... زکی!

نع! اصی انگار همین دیروز بود... نبود؟

می‌رفتیم سر صف وایمی‌سادیم تا کوپُن بدیم و سه کیلو قند رو، سه تومن بدیم و بستونیم و ننه- بابمون، برا این که بریم و نق و نوق نکنیم، ده تومن بشمون می‌دادن تا بستنی بگیریم! زکی! سه کیلو قند به سه تومن، اما یه بستنی به ده تومن!

نع! همین دیروز بود...

چهار سال از مجلمون گذشت... مثی برق و باد! انگار همین دیروز بود.

کسی هم استقبال نکرد. هیچ کی هم نمی‌دونه اصی همچی مجله‌ای هست و همچی خبرگزاری فکاهی درست شده. بهتر..! خندوندن نمی‌باس کسب و کار بشه. چرا؟

چون فرق اِس بین دلقک و طنزپرداز... کار دلقک میمون بازیه! اما کار طنزپرداز طنازیه... دلقک نیگا می‌کنه که چی کار کنه شما بخندین و چند سکه‌ای بذارین کف دستش! طنزپرداز غم را به خنده تبدیل می‌کنه و براش مهم نیست کی می‌خونه، کی نمی‌خونه! چون به پولش نیازی نداره. این کار با کاسبی خیلی فرق داره. آدم خون دلش را نمی‌ده به مردم تا پول بستونه. پولِ دلِ خون، خوردن نداره!

می‌دونی طنازی و طنزپردازی یعنی چه؟

هی از غم و غصه کتک می‌خوری و گیریه می‌کنی. آخرش براش قاطی می‌کنی که ده پدرسوخته، آخه تا کی؟ مگه تو خودت خوار مادر نداری؟ مگه باقی مردوم مردن که اومدی سراغ من یکی، آهی چپ و راست می‌زنی... ده مادر*ده، در دیزی بازه، حیای گربه کوجا رفته اِس؟

خجالت نمی‌کشی؟ آدم نجیب گیر آوردی؟

کسی دیگه بود که چوب توو پاچه‌ات می‌کرد. برو ببین اونی که میلیاردش شده، میلیون دلار، ببین چه عربده‌های دردناکی می‌کشه. هنوز با یه چِکش کون فیکون می‌کنه، اما تا فیها خالدونش سوخته که چرا مثی قبل نداره که بریزه و ریخت و پاش کنه. همون‌هایی که آه می‌کشن و مسخره می‌کنن که مرغ شده کیلویی اینقذه هزار چوق، اما ته هفته می‌رن باغ کنارمنقل مسی اشرافی، دودکی را با وافور آبنوس دود می‌کنن و خلق بی‌کار آویزون رو پای بساط جوجه می‌نشونن و صد تا صد تا سیخ جوجه می‌زارن سر سفره و عین خیالشون نیست. اما جز و ولیزشون و عجز و نالشون برقراره.

چرا نمی‌ری سراغ اون‌ها؟

پسر گردن کلفت ندارن؟ که دارن... اون هم چند راس، چند راس! دختر لاشی ولخرج ندارن؟ که دارن! اون هم چند تا چند تا..! ول می‌گردن و می‌خورن و می‌پوشن و آتیش می‌زنن... بی‌خیال این که دلار شده، چند چوق به پول ملی...

یخته از این غم و غصه را ببر برای اون‌ها...

اگه برد؟ نمی‌بره! چرا ببره؟ آدم بی‌عار و آب هندونه، غم و غصه را می‌خواد چی کار؟ که چطور بشه؟ این نشد؟ اون! اون نشد؟ این..! دلش برا چی چی بسوزه؟ مگه دل داره؟ اما تو که دل داری، جز طنزپردازی سلاحی نداری تا به جنگ غم و غصه بری...

از من و تو بر نمی‌آد که مثی اون‌ها زندگی کنیم. غم و غصه هم جز ما رو پیدا نمی‌کنه. خیالت تخت..!

پس بزن اون شیشکی خوشگله را برای غم و غصه! پس مسخره‌اش کن تا بفهمه ما هم بلدیم که وقتی مشت می‌خوریم، چطوری پس بدیم. این می‌شه طنز... واقعیت را مسخره می‌کنه، چون این واقعیت از عدالت دور شده. واقعیتی که عدالت را رعایت نمی‌کنه، مسخره است. خنده‌داره..!

به همین علته که واقعیت خنده‌داره..!

امضا: شلغم آقا

اخبار داخله

سقوط سنگین سهام سنگ پای قزوین در بورس نیویورک



در پی سخنرانی نمایندهٔ اسرائیل در آژانس بین المللی انرژی اتمی، سهام سنگ پای اسرائیل، با جهشی خیره کننده، سهام همتای قزوینی خود را پشت سر گذاشت و با فاصلهٔ زیادی در صدر سهام بورس نیویورک قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، از بورس وال استریت، کارشناسان صعود خیره‌کنندهٔ سهام سنگ پای اسرائیل را رویداد قرن نام نهاده‌اند.

نمایندهٔ اسرئیل در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در جریان سخنرانی خود، ایران را به فریبکاری متهم و اعلام کرد که این کشور پنهانی در حال تولید جنگ افزار هسته‌ای است.

او در پاسخ به پرسش خبرنگار ما دربارهٔ تولید صدها جنگ افزار هسته‌ای در اسرائیل، این موضوع را حوالهٔ جای خاصی از بدنش کرد؛ کصافط..!

دور ایران تا پایان دوران

سفرهای رئیسی به اطراف ایران، بر اثر خواندن کتاب دور دنیا در هزار روز انجام می‌شود و به همین جهت، رئیس‌جمهوری به مرکز ایران سفر نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به نقل



از دکهٔ روزنامهٔ فروشی مقابل ریاست جمهوری، ابراهیم رئیسی قصد دارد در دوران چهار سالهٔ ریاست جمهوریش، به دور ایران صفر کند، اما به او گفته‌اند سفر به مرکز ایران، جیزّه!

صاحب دکه‌فروشی که خود شخصا کتاب دور دنیا در هزار روز ژول ورن را به ابراهیم رئیسی «وقتی که هنوز جوون بود» فروخته است، در این باره به خبرنگار ما گفت: "همه‌اش می‌نشست روی پله‌های ریاست جمهوری و هی می‌خوند و می‌گفت: کاش رئیس‌جمهوری بشم ودور دنیا بگردم. اما حالا طفلک که نمی‌تونه دنیا گردی کنه، سعی داره با ایران گردی جبران کنه."

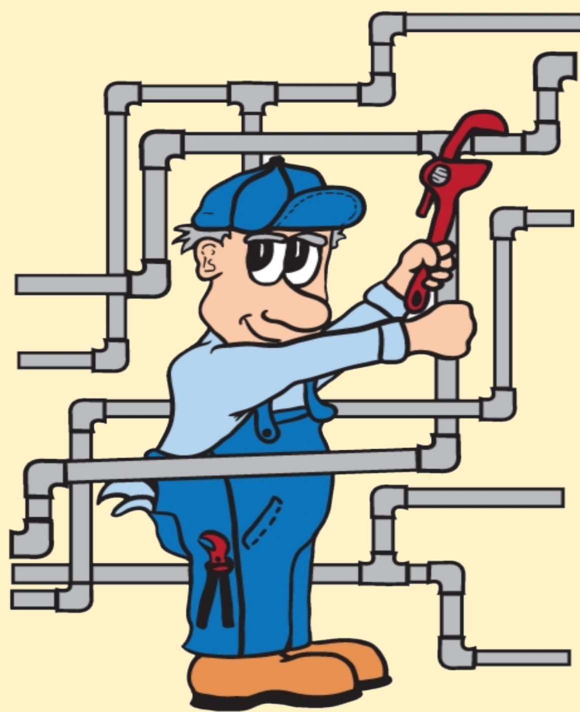
اهداف عشقی توافق بین ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان

توافق گازی تهران، باکو و عشق آباد، اهداف عشقی دارد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، طبق توافق مسئولان ایرانی با دو طرف ترکمنستانی و آذربایجانی، مقرر شد که ترکمن‌ها از طریق ایران به آذری‌ها گاز بدهند و بعد، ایران دوباره به ترکمن‌ها گاز بدهد و بعد دوباره، باکو به تهران گاز بدهد و دوباره تهران به باکو گاز بدهد و ...

یکی از کارشناسان در پاسخ به پرسش خبرنگار ما دربارهٔ اهداف این توافق گفت: "این توافق می‌تواند عشق و محبت را میان سه طرف زیاد کند و اگر همین طور ادامه یابد، راه‌های بهتری برای افزایش عشق و محبت میان سه طرف خواهیم یافت..."

خبرنگار ما در پایان تاکید کرد: "خدا بده برکت..!"



پیشنهادات زشت ایران به آمریکا در نشست وین

با گذشت چند روز از پایان ناغافلکی نشست وین، هنوز هیچ کدام از طرف‌های مذاکره حاضر به افشای خواسته‌های ایران از طرف آمریکایی نیستند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آنتونی



بلینکن، وزیر امور خارجهٔ آمریکا بدون اشاره به خواسته‌های طرف ایرانی، صرفا گفت: "این خواسته‌ها آن قدر غیر منتظره بودند که حتی طرف‌های روسی و چینی را هم شگفت‌زده کرده است."

یکی از کارشناسان در پاسخ به پرسش خبرنگار ما در این باره گفت: "چی می‌دونم والله! اعضای هیأت خودمون اغلب از پایین شهر تهرون بودن و معلوم نیست لاشی‌ها چی گفتن به طرف آمریکایی که این طور گلخیده..! شاید هم اصلا چیزی نگفتن و فقط شوخی دستی، چیزی شده... ما ایرونیا رو که می‌شناسی جنبه نداریم. دو تا خندهٔ دیپلماتیک دیدن بعد شوخی دستی کردن... الله اعلم!"

تجهیزات کشاورزی ساخت داخل، اما محصولاتش خارجی

یکی از مسئولان کشاورزی مملکت اعلام کرد: نود درصد تجهیزات کشاورزی در داخل مملکت تولید می‌شود، فقط خود محصولات از خارج می‌آید.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او به خبرنگار خبرگزاری گفت: "ببین داداش! نود درصد جنس منس‌های کشاورزی یعنی ابزار و این جور چیزها، چی؟ ایروونیه! یعنی مال مملکت خودمونه. عوضش! محصولات کشاورزی، غذای دام و طیور و کود و سموم و آفت‌کش‌ها یا کاملا خارجکیه، یا قوطی‌هاش ساخت ایرانه. دبه دبه از خارج می‌آریم، خب!؟ بعدش یخته یخته می‌ریزیم توو قوطی ساخت ایران و بعد می‌کنیم توو پاچهٔ خلق الله! خخخخخخخخخ"

او در پاسخ به سخن خبرنگار ما که "واقعا خسته نباشید" بشکن زنان گفت: "مانده نباشید! درمانده نباشید!"



همراه با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

– با سلام به جناب دکتر الاغ خرنژاد، کارشناس برجستهٔ مسائل استراتژیک، قصد داریم که رویدادهای اصفهان را برای ما بررسی کنن. جناب دکتر، اتفاقات و اعتراضات در اصفهان، چرا اتفاق افتاد؟

• چرا اتفاق نیفته؟

– جناب دکتر بنده از شما سئوال می‌کنم، نه شما از من..!

• مرد حسابی، آن قدر شلغم شوربا در سیاست‌های چند دولت در حوزهٔ آبی اتفاق افتاده که اگر کسی سئوال کنه، چرا، معنی‌اش این است که یه تخته‌اش کمه.

– یعنی من یه تخته‌ام کمه؟

• نع! شوما را که نمی‌گم... شما اصلا کلا تخته نداری... از هفت فلک آزادی...

– آقای دکتر، مگه چه برخوردی باید با این قضیه می‌شد؟

• کدوم قضیه..؟

– قضیهٔ خشک سالی و ...

• نگفتم یه تخته‌ات کمه؟ مردک، تو خبرنگاری یا طوطی خوش سخن؟

– آخه مسئولان گفتن...

• مسئولان غلط کردن و تو..!



– فهمیدم! شما می‌خواین بگین که سوءمدیریت منابع آبی...

• عی! عی! اینقذه بدم می‌آید عین بلبل هر چی می‌گن تکرار می‌کنی... خبرنگار یعنی باید بره خودش بگرده، ببینه که این پدرسوخته‌ها راست می‌گن یا نع..!

– خب من هم با این مصاحبه می‌خوام همین کار را بکنم... از شما در این باره سئوال می‌کنم، اما شما هی به من دری وری می‌گین! حالا به این کار چی می‌گن؟

• وقتی به اسم انتقال آب آشامیدنی از سرشاخه‌های کارون برای مردم یزد، مصوبه‌ای را به تصویب می‌رسونن که به قانون لازم‌الاجرا تبدیل می‌شه؛ بعد به جای اجرای اون مصوبه، مخ نماینده‌های طرفدار جناح خودشون رو در اصفهان می‌زنن و خط لوله‌ای از رودخانهٔ زاینده رود برای یزد می‌کشن...

– خب استاد! قرار بود که آب آشامیدنی یزد از زاینده‌رود تامین بشه تا تونل کوهرنگ سه تکمیل بشه یا همون گلاب و بهشت‌آباد..!

• کو تونل..؟

– مسئولان خوزستان و چهارمحال اجازه ندادن...

• چطوری؟

– با زنجیرهٔ انسانی و غیره و ذلک..!

• عده‌ای از مردم با ایجاد زنجیرهٔ انسانی از اجرای مصوبهٔ مجلس، یعنی قانون جلوگیری کردن...

– این یعنی نافرمانی از قانون...

• یعنی اولش باید به مجلس می‌رفتن و قانون رو عوض می‌کردن تا شرایط عادلانه‌ای حاکم بشه، نه این که حق استانی گرفته و نقض بشه که نه سر پیاز بود و نه ته پیاز، بلکه بنا به درخواست دولت وقت، برای تامین آب شرب مردم یزد اقدام کرده...

– خب حالا شما با تامین آب شرب یزد مشکل دارین؟

• عجب آدمیه! مگه فقط همون یه لوله رفت... دیدن در دیزی بازه، حیاشون رو قورت دادن و کل رودخونه را کردن توو چند تا لوله و فرستادن

شهرشون و بعد افتادن به کارخونه زدن و ریخت و پاش کردن و تا صدای اصفهانی‌ها در می‌اومد، فحش خواهر و مادر را روانهٔ اصفهان می‌کردن و همچنان...

– خب استاد به نظر شما اسم این کار چیه؟

• مؤدبانه یا غیر مؤدبانه!

– وای خاک بر سرم استاد، همون مؤدبانه‌اش ...

• دزدی و کلاشی...

– اگه این مؤدبانه‌اشه، پس غیر مؤدبانه‌اش چیه؟

• مادر قح ....

– اصلا ولش کنین استاد، همون مؤدبانه، منظورتون رو رسوند... حالا استاد، چطور همچی چیزی ممکنه که در این مملکت به این راحتی رودخونه بدزدن؟

• چطور در این مملکت ممکنه که سدی را بسازن وبعدش بفهمن که یک کوه نمک درست وسط سده..؟ کل اون آبی را که می‌تونست زاینده‌رود رو تا همون گاوخونی آبیاری کنه، به بدتر از آب دریا تبدیل کردن... انگار ارث ننه‌شونه که یک رودخونه رو سوغاتی ببرن برای رفیق‌هاشون تا وسط برهوت کارخونه بزنن و بعد، یک منبع آبی بزرگ را شور کنن و ندونن که باید چطوری از شرش خلاص بشن...

– بله بله...متوجهم..! خب به نظر شما باید چه کار کرد؟

• اول از همه باید چوب بکنی توو پاچهٔ کسانی که اینقذه با ثروت‌های مملکت راحتن که انگار دارن برای شاش خودشون تصمیم می‌گیرن... باید کاری کرد که اسمشون رو هر کی می‌شنوه، از ترس به خودش بلرزه!

– مافیای آب..؟

• این جا اسمشون مافیای آبه! جای دیگه سلطان سکه است، جای دیگه انحصار خودرو... جای دیگه...

– یعنی از نظر شما این‌ها همشون یک جریانن و همدستن؟

• مثل این که تو از مریخ همین یه ساعت قبل رسیدی، نه؟

– نه خیر، بنده واقعم!

• خب پس، بگیر بشین!

– به نظر شما، کار به کجا می‌کشه؟

• هیچی! همین وضع ادامه پیدا می‌کنه تا این که کار بالا می‌گیره و باز سقوطی دیگر و مصادرهٔ دیگر و ... باز تکرار مکررات تاریخی!

– فهمیدم! فهمیدم! لطفا دیگه کشش ندین!

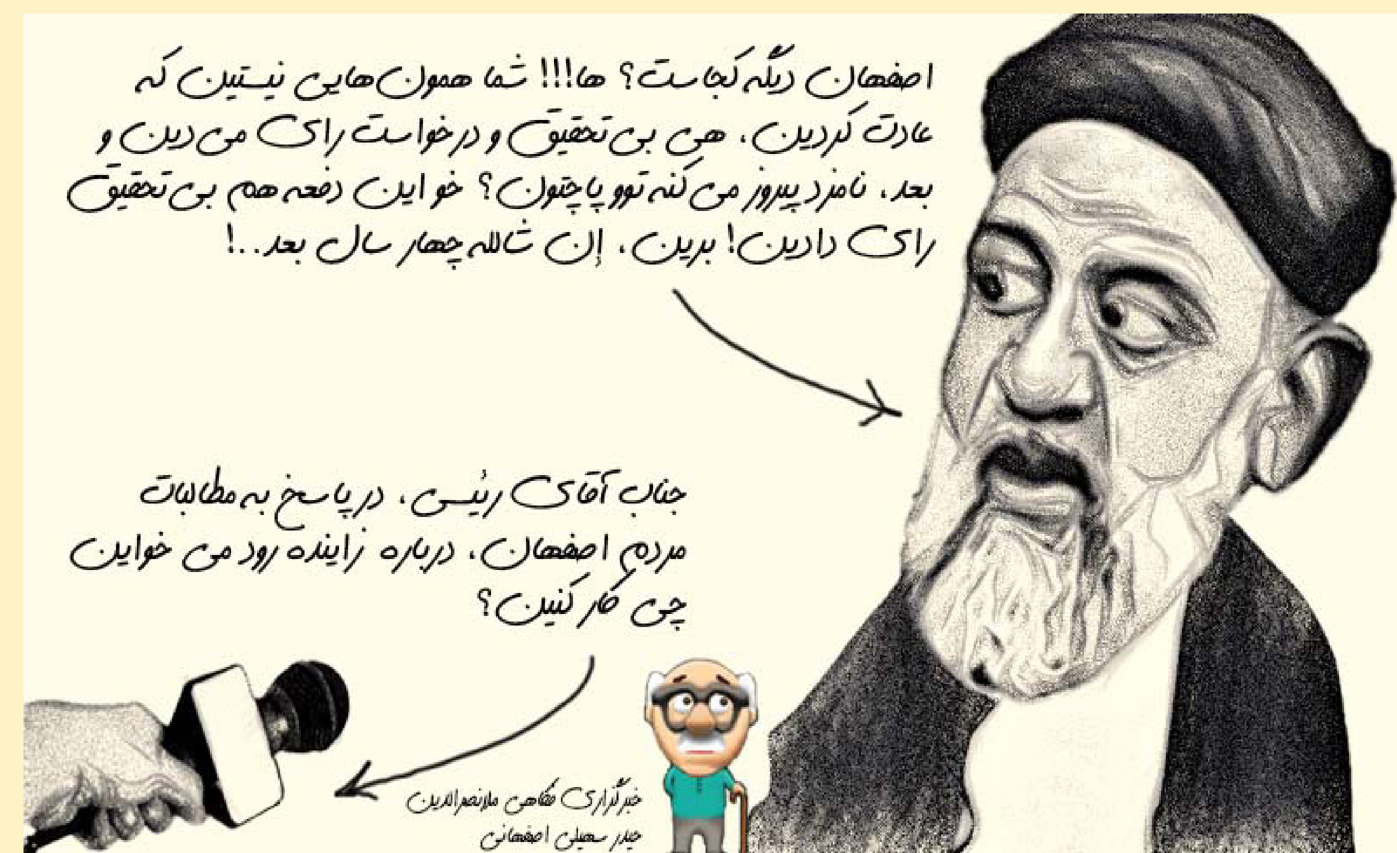
• باز پرسیدی و باز هم تا جواب شنیدی، ادا درآوردی...

– خیلی خب! کاملا حق با شماست. شما و خوانندگان ارجمند را به خدا می‌سپارم، امیدوارم که تا شمارهٔ بعد، موفق و پیروز باشین!





کارتون های مُلانصرالدین



گپ و گفت



- شنیدی علم الهدی چی گفته؟
• اون دیگه کیه؟
- امام جمعهٔ مشهد..!
• خب بگو امام جمعهٔ مشهد... علم الهدی دیگه چیه؟
- خیلی خب..!
• اصلا خبرهاشو دنبال نمی‌کنم که بدونم یا ندونم!
- گفته که چرا مردم اصفهان اعتراض می‌کنن و عوضش برن نماز بارون بخونن!
• خب راست می‌گه!
- یعنی چی راست می‌گه؟
• مگه خودش چطوری امام جمعه شد؟ با نماز..!
- نماز جمعه؟
• نع! نماز استیجاری..!
- خب اگه ما نماز بارون بخونیم، چی می‌شه؟
• شک نداشته باش که بارون می‌آد..!
- کجا همچی اتفاق افتاده؟
• در اروپا، آمریکا، جاپون، چین...
- همهٔ این‌ها نماز می‌خونن؟
• لابد نماز می‌خونن دیگه...
- چی چی داری می‌گی؟ بعضی‌هاشون اصلا دین و خدا را قبول ندارن...
• خب! همین که نماز نمی‌خونن، باعث می‌شه نمازهاشون قضا بشه و بعد از مرگشون نماز استیجاری باید براشون بخونن...
- کس و کارشون که نمی‌دونن نماز چی چی هست، اصلا! تازه بیان پول نماز استیجاری هم بدن؟
• نه دیگه! ملتفت نیستی! اگه بیشترشون پول برای نماز استیجاری ندن، یه عده‌شون که می‌دن! همون تعداد کافیه... ما بقی هم روز قیامت می‌سلفن!
- ما را گرفتی، ها..!
• نع..!
- یعنی چی نع..!؟
• من شوما را نگرفتم... جناب علم الهدی همهٔ ما رو گرفته..!



«عراق نقش مهمی را برای شرق و غرب در خاورمیانه ایفا می‌کند.»

«پهلوون پنبه !!...»

کارتون‌های وطنی

محمدرضا میرشاه‌ولد در خبرورزشی

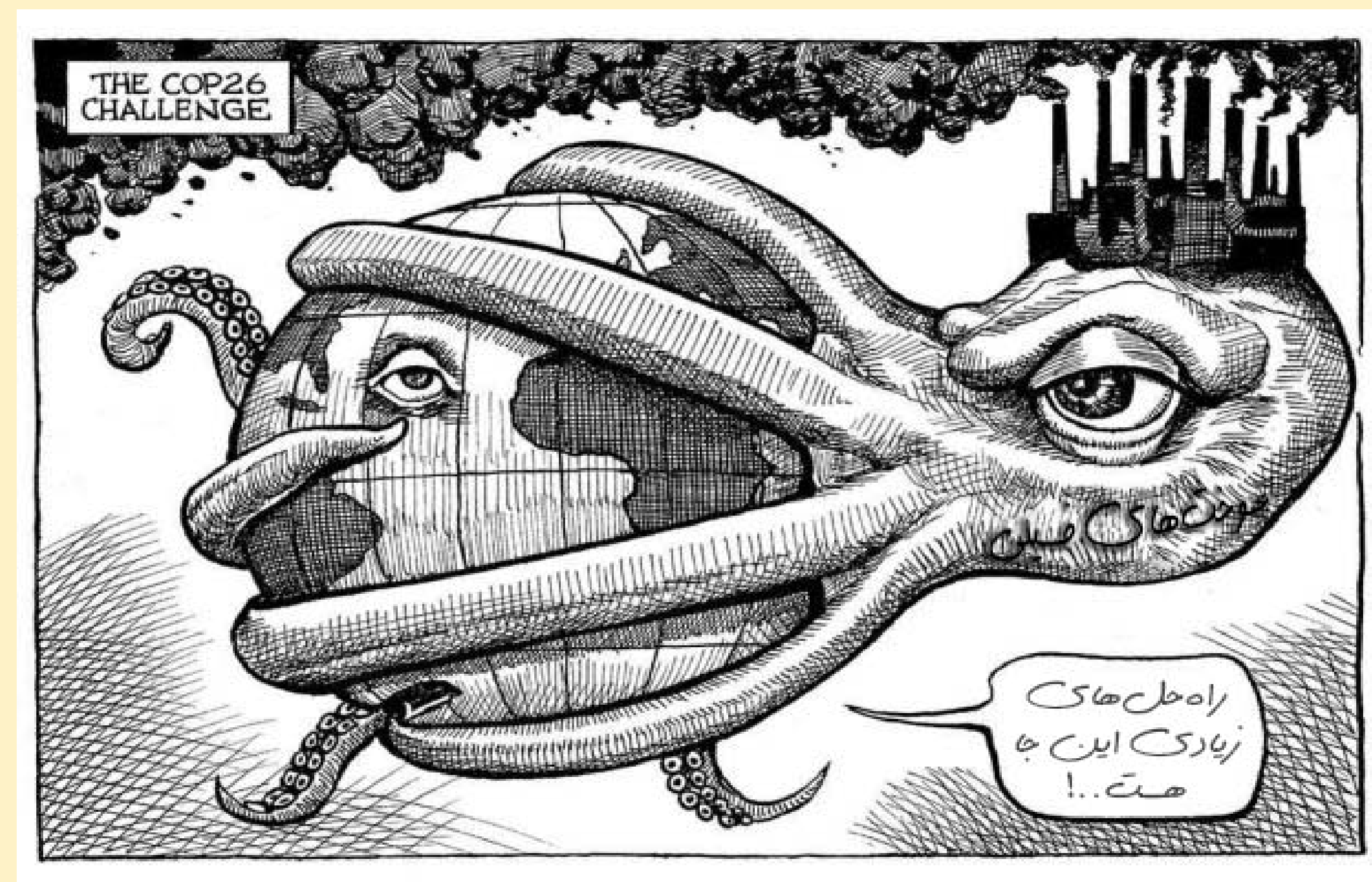
باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال

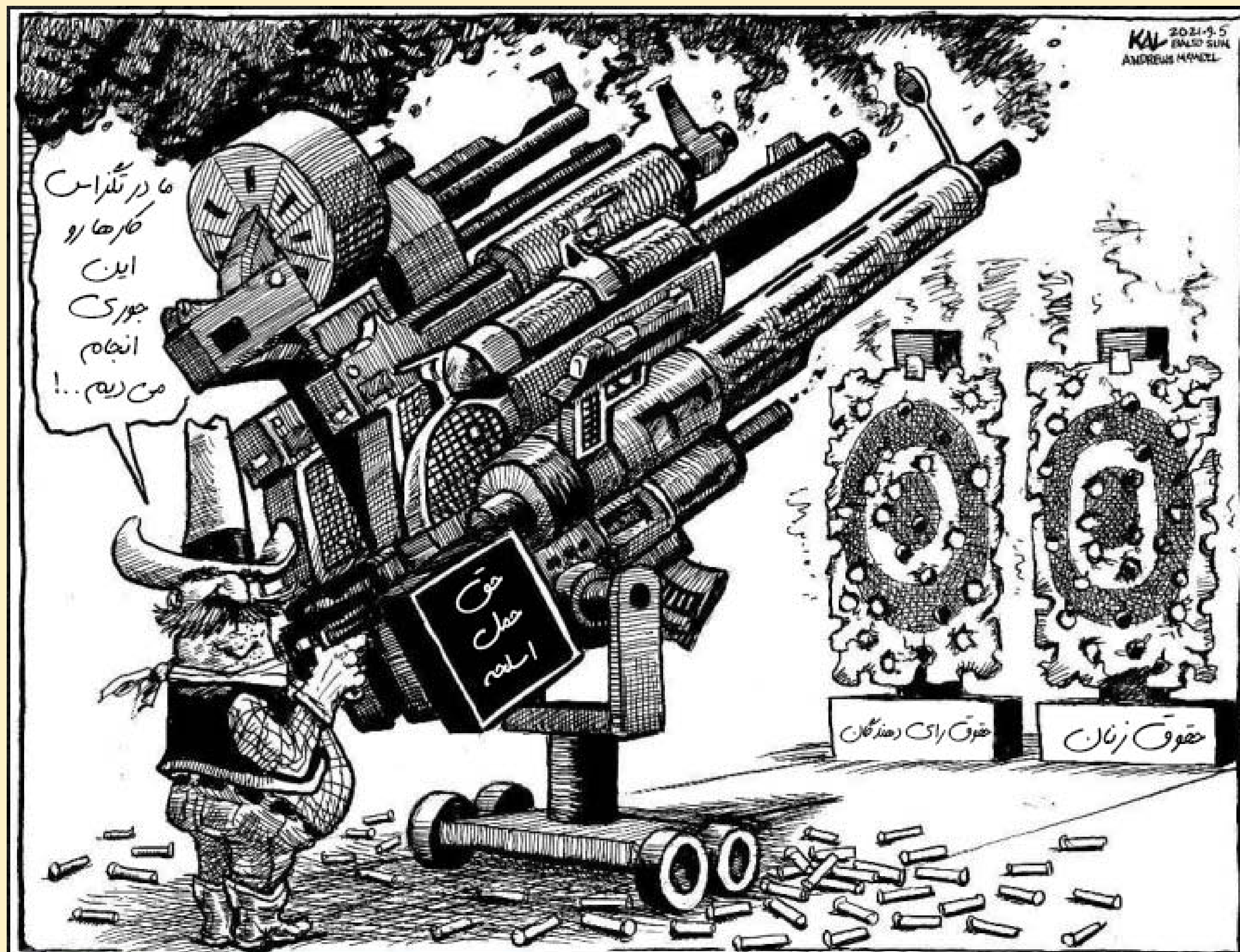
واسه امروز کافیه اوسا باخسته نباشی!!

خبرورزشی
KHABARVARZESHI.COM



کارتون‌های خارجی







نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد. در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر بلینکن، وزیر امورخارجهٔ آمریکا برای همتای ایرانیش نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

با سلام گرم و محبت‌آمیز به همتای ایرونی خودم! احوال شوما، حال شوما..! وین به هیات اعزامی خوش گذشت؟ راستش وقتی دیدم خودت نیستی، خیلی پکر شدم. می‌دونم اهل آبکی نیستی، اقلا می‌اومدی یه قهوه با هم می‌زدیم.

وقتی شنیدم قراره چهل نفری با هم بیایین، گفتم خانوم تدارک بچینه، چون همه با هم داشتین می‌اومدین، گفتم زشته! اما خب هم شما چهل نفری نیومدین و هم شما شخصا نبودین و هم بنده خودم حضور نداشتم... ها ها ها ... خیل با مزه بود... نع؟

حالا فارغ از شوخی و خنده و ... ببین امیر جان، لفطا ما رو دست کم نگیر، خب!؟ یعنی درست که رئیس‌جمهوری ما آلزایمریه، اما بنده چلاق الدوله نیستم که... فهمیدم برای چی اومدین وین! خب حق بده که من هم به دل بگیرم!

من منتظر بودم که خودتون از اون بیانیه خوشگل‌ها بدین و به خوبی و خوشی بگین که ما دیگه با برجام کاری نداریم. خب چرا نه؟ آخه مرد حسابی! خودت که می‌دونی کنگرهٔ آمریکا دست کیه و بدون اجازهٔ اسرائیل آب نمی‌خوره، چه برسه به این که پی پی کنه... کاشکی دربارهٔ همه چیز در آمریکا، این اتحاد و یک دلی بین نماینده‌های دموکرات و جمهوری‌خواه بود. به خدا، در طول دو جنگ جهانی و جنگ سرد، این جور همدستی و یکدلی در کنگره نبوده... این ها سر وحدانیت خدا هم با هم دیگه جنگ و دعوا دارن.

حالا جز یکی دو تا نمایندهٔ دموکرات که ما بهشون می‌گیم نق نقو، بقیه همه کلهم اجمعین، عین حرف‌های جمهوری‌خواه‌ها را ضد ایران می‌گن. تازه همون یکی، دو نفر هم کلی حرف و حدیث و موضوع ناجور ضد ایران دارن، اما از این که عین نوکر، مرده و ذلیل اسرائیل باشن و هر چی نتانیاهو و نفت علی بنت می‌گن تکرار کنن، بدشون می‌آد. یعنی یه جور افهٔ وطن دوستیه! اون هم تو نمیری، فقط افه است.

ببین امیر جون، چی خیال کردی؟ مگه من و جو، عاشق چشم و ابروی ایرانیم؟ همین بایدن وقتی معاون اوباما بود، طرح می‌داد که کشتی‌های آمریکایی برن از هر طرف ایران رو محاصره کنن. الدنگ خیال می‌کرد ایران یه جزیره جنوب آفریقاست. من یک بار بهش برگشتم که چی داری می‌گی؟ یعنی تو حتی نمی‌دونی ایران کجاست؟ طفلک اومد در گوشی به من گفت: آنتون جون! سه بازی در نیار... در گوشم بگو ایران کجاست؟ بش گفتم: جنوب یوگسلاوی!

به من گفت: "ای خاک عالم بر سرت! جنوب یوگسلاوی که ژاپنه!"

جون تو کلی خجالت کشیدم! بد جور سه دادم..!

تو خیال کردی که ما اصلا می‌دونیم اسرائیل کجاست؟ یک بار نمایندهٔ لابی اسرائیل، همون ایپاک، داشت مخ یکی از نماینده‌های کنگره رو برای افزایش کمک به اسرائیل می‌زد. بهش گفت: "هی تونی! می‌دونی که اسرائیل همون جاییه که عیسای مسیح به دنیا اومده!" اشک توو چشمای نمایندهه جمع شد و گفت: "منظورت اینه که اسرائیل در صحرای نواداست؟"

نمایندهٔ ایپاک خواست براش



توضیح بده که بالادستیش، یه سقلمه به پهلوش زد و گفت: "آره تونی! صحرای نوادا..!" بعدها با همین کلک، کلی برای اسرائیل، ازش رای گرفتن. البته امیر جون تو که خیال نمی‌کنی «تونی» واسه خاطر چشم و ابروی عیسای مسیح به اسرائیل رای می‌داد؟ چون اون اصلا نمی‌دونه که عیسی کی هست. یکی از نماینده‌های کنگره خیال می‌کرد که مدونا، خوانندهٔ مشهور آمریکایی، همون مریم مقدسه! می‌دونی چی شد از اشتباه بیرون اومد؟ مدونا یعنی باکرهٔ مقدس و کسی در آمریکا نیست که ندونه مدونا، هر چی باشه، قطعا باکره نیست..! یعنی هیچ وقت نبوده...

ببین امیر جوون! همهٔ این‌ها را بهت گفتم تا یه چیز را بفهمی؛ ما اصلا نمی‌دونیم ایران کجا هست، چه برسه به این که درک درستی از منافع آمریکا در روابطش با ایران داشته باشیم! فک و فامیل اسرائیل در آمریکا کلی سرمایه ریختن و حالا همه اسرائیل را مساوی با پول می‌دونن. نمی‌دونم اگه اون پولی که شما توو حلق فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها می‌ریختین، ریخته بودین توو حلق نماینده‌های کنگره، حالا چه وضعی داشتین؟ اما قطعا وضعتون خیلی بهتر از حالا بود.

چون در آمریکا، فقط پوله که قابل فهمه! حتی وقتی بارون می‌باره، ارتباط منطقی بین بارون و پول فهمیده می‌شه. اگه کسی هنگام بارندگی عاشق بشه، این عشقش فقط وقتی قابل فهمه که بشه ازش یه ترانهٔ قشنگ ساخت و فروخت و پول درآورد. هر چی رو که نفهمیده باشی، قطعا این یکی رو خوب خوب فهمیدی..! چون در مملکت شما بازاری هست که دقیقا می‌فهمه من چی می‌گم!

من مطمئنم که حالا دیگه حوصله‌ات سر رفته و می‌خوای بدونی که من چی می‌خوام بگم... دیدی که تو هم خیلی باهوش‌تر از ما نیستی؟ پسر، دارم بهت می‌گم: برجام رو وللللش! ما برجام رو نمی‌خوایم... دستوری که کنگره گرفته، اینه که برجام ممنوع... به خدا اگه اعضاش بدونن که برجام خوردنیه یا بردنی... مگه تو اون مجلس کوفتی خودتون، همه علامهٔ دهرن؟ همه از یه جنسیم!

نمونه‌های بی‌سوادی نمایندگان خودتون رو در نظر بگیر، این جا هم همونه... عین مملکت خودتون، این جا هم کسی اجازه نمی‌ده که آدم باسواد وارد کنگره بشه.

امیر جونم! این جا کنگره دستور گرفته که کلک برجام رو بکنه. ما هم در دولت آمریکا، دستور گرفتیم یه توافق الکی راه بندازیم که نه به داره و نه باره. فقط برای این که همین یخته حیثیت ملی که برامون باقی مونده، حفظ بشه. یعنی افه چسی..! همین!

بی‌خود هم برام از حقوق قراردادها و این مزخرفات نگو! خودمون آخر این خزعبلاتیم... مگه از دیوان لاهه ضد ما دو تا حکم نگرفتین؟ خب برو بذار سر کوزه آب جفتشون رو بخور! خیال می‌کنی اگه به دار بود یا به بار بود، همون قضات حاضر بودن به همین راحتی، ضد ما حکم صادر کنن؟ زکی! خیلی بچه‌ای، جیگر..! این‌ها دانشجوی سال ییُم رشتهٔ حقوق بودن، ما شیرشون دادیم و پوشکشون رو عوض کردیم.

ببین! برو به بالاسری‌هات بگو: اگه توافق می‌خواین باید اول دَم اسرائیل رو ببینید. کلا و فرعا، همینه راهش..! هر چی هم بگذره، قیمتش بالاتر می‌ره. بعله! حق با شماست: اسرائیل جز به خون دل شوما راضی نمی‌شه. با من بمیرم و تو بمیری هم قضیه فیصله پیدا نمی‌کنه.

ما این جا همه ماموریم و معذور! وگرنه اگه دست خودمون بود، برای رسیدن به بازارهای شوما، خرخرهٔ همدیگه رو می‌جویدیم. از بالا دستور رسیده و ما هم می‌گیم: سمعا و طاعتا..! پشت سر این نماینده‌های بدبخت کنگره هم حرف و حدیث راه نندازین. این طفلک‌ها، اگه خودشون بخوان به طرف شهرشون رانندگی کنن، حتما راه رو گم می‌کنن.

شرمنده! شنیدم روابط ایران و آمریکا مال خیلی سال پیشه... کاش همون خیلی سال پیش، شوما هم چشمتون رو باز می‌کردین و کمی از آن جواهرات سلطنتی رو می‌آوردین این جا و کمی خرج می‌کردین یا سرمایه می‌ریختین. اون وقت، بلای جون این جماعت می‌شدین... چه می‌شه کرد؟ خب، بعضی‌ها زرنگترن!

با عرض احترامات فائقه

آنتونی بلیکن

وزیر امور خارجکی ایالات عمرا متحده

اخبار خارجه

زور زیادی کنار زنگه زور

زور زیادی اردوغان کنار زنگه زور، مشکلات زیادی برای اردوغان ایجاد کرده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به سبب زور زیادی که رئیس‌جمهوری ترکیه، در ماه گذشته، به خود وارد کرده است، مشکلات جسمانی زیادی به ایشان وارد شده است.

یکی از کارشناسان در این باره نوشته است: "مشکل اردوغان این است که درک نکرده، سن که رسید به پنجاه فشار می‌آد به چند جا..! اما اگر سن از شصت گذشت، فشار در یک جای خاص متمرکز می‌شود و او نمی‌بایست بر سر زنگه زور، چنین فشار سهمگینی به خود وارد می‌آورد."

زندان جلبوع به عشرتکده تبدیل می شود

در پی انتشار خبری در روزنامهٔ اسرائیلی یدیعوت آحارانوت، مبنی بر اقدام رئیس زندان جلبوع، برای استفاده از زندانبانان زن اسرائیلی به منظور تحریک زندانیان فلسطینی و اجبار آن‌ها به اعتراف، تبدیل این زندان به عشرتکده در دستور کار دولت اسرائیل قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، گزارش‌های ویژه‌ای منتشر شده است که حملات اخیر مردان فلسطینی به رهگذران اسرائیلی، با هدف بازداشت و زندانی شدن در زندان جلبوع بوده است. گزارش‌ها حاکی است که در چند مورد این حملات که با سلاح سرد انجام گرفته، مردان فلسطینی، با شناسایی دوربین‌های مداربسته، حملهٔ خود را در برابر دوربین انجام می‌دادند تا شناسایی آن‌ها راحت‌تر انجام شود.



تازه این پایان ماجرا نیست. قربانیان این حملات که مردان اسرائیلی بودند تا متوجه شدند که هدف مردان فلسطینی چه بوده، با مراجعه به پلیس و اعتراف ساختگی، خود را به عنوان عامل حمله معرفی کرده‌اند و در یکی، دو مورد یورش‌برندهٔ فلسطینی را آزاد و خودشان به زندان رفته‌اند.

انجمن وکلای اسرائیلی، از این که مردان اسرائیلی می‌کوشند تا فلسطینی‌ها را تبرئه کنند وخودشان به زندان بروند، به شدت ابراز شگفت‌زدگی کرد.

در همین رابطه، با توجه به درخواست گستردهٔ شهروندان اسرائیلی برای انتقال به زندان جلبوع و رقابت مردان فلسطینی با آن‌ها، نفتعلی بنت نخست وزیر اسرائیل تبدیل زندان جلبوع به عشرتکده را در دستور کار خود قرار داد. او در این باره گفت: "این خیلی خوبه که بتونیم از این راه پول خوبی به جیب بزنیم. تازه یه طرح صلح به نام طرح صلح جلبوع می‌خواهیم تهیه کنیم که بقیهٔ شهروندان عرب نیز با پرداخت پول بتوانند در این زندان زندانی شوند."

در همین باره، انجمن اسیران فلسطینی، با صدور بیانیه‌ای شدیداللحن، انحلال خود را اعلام کرد: "به دنبال اصرار اسیران فلسطینی به ماندن در زندان جلبوع و درخواست دیگر زندان‌ها به برخورد برابر با زندانیان، این انجمن انحلال خود را اعلام و تاکید می‌کند: اعترافات شبانهٔ اسیران فلسطینی همگی ساختگی و دروغ است وصرفا با هدف تحریک شدن

به دست بازجویان اسرائیلی صورت می‌گیرد."

رئیس کودتاچی‌های سودان: در آینده ارتش باید تابع قانون اساسی باشد!

عبدالفتاح البرهان تاکید کرد: نقش ارتش در آینده باید در قانون اساسی تعیین شود و بعد ارتش هم باید تابع قانون اساسی باشد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او در گفتگو با خبرنگار ما در این باره گفت: "ما همه باید تابع قانون اساسی باشیم، همان طور که قانون اساسی تابع ماست."

خبرنگار ما از او پرسید: "یعنی اولش خودتون قانون اساسی را می‌نویسین و بعد تابع قانون اساسی می‌شین؟"

برهان پاسخ داد: "قربون آدم چیز فهم..!"

خبرنگار ما پرسید: "خب اگه بعدا بفهمین که قانون اساسی همونی نیست که دقیقا می‌خواستین چی؟"

او پاسخ داد: "مگه تو اگه توو این گزارشت غلط و غلوط باشه، پاک نمی‌کنی تا درستش کنی؟ ها!؟ خو ما هم دوباره تصحیحش می‌کنیم... چون ما آدم‌های منطقی هستیم. قبول داریم که گاهی ممکنه اشتباه کنیم. انسان جایز الخطاست. می‌بینی چقدر منطقی هستیم؟"

خبرنگار ما پاسخ داد: "بعله! البته..! درود بر شما..!

من تا در هواپیما هستم و به ایران نرسیدم، کاملا حق با شماست..!"

از استان دیالهٔ عراق گودبرداری شد



ارتش و نیروهای حشد عراق اعلام کردند که برای نابود کردن بقایای داعش در استان دیاله، به آن نقطه لشکر کشی کردند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سخنگوی ارتش عراق تاکید کرد که به سبب حضور نیروهای داعش تقریبا در همهٔ قبایل و عشایر عرب سنی مذهب این استان، قرار است با بولدوزر از این استان گودبرداری شود و بعد داخل آن گود آب ریخته شود.

این طرح قرار است در مناطق دیگری از شمال عراق به اجرا در آید.



15 آذر 1400 جدیدترین: زور زیادی کنار زنگه زور

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MollaNasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده‌دار است!

خبرهای سیاسی | خبرهای اقتصادی- اجتماعی | مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین | خبرهای هر کی هر کی | دیدگاه | نامه‌های جنجالی | خوشگل الحکایات

زور زیادی کنار زنگه زور

خبرهای سیاسی

شمارهٔ اخیر مجله | برای دانلود، روی مجله کلیک کنید

فرانسه: لاشی‌ها با ما هم آره..؟!

فراموشتان نمی‌کنم!

فرانسه از سوریه همسایه‌تر است!

معادلات کاملا به هم خورده است!

دیدگاه

آرشیو مجله: شماره‌های پیش

مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین | ۳۶

سر و ته مقاله | دو کلوم حرف جیز

http://mollanasroddin-magazine.ir

http://msn-agency.ir

خوشگل الحکایات

پس از سالیان دراز که دانشمندان گردن فراز، با گردنی همچو غاز، تاریخ را بهر زاینده رود جعل می‌کردند، نائب بر حق یزد در قوهٔ تقنینی مملکت دهان گشوده، در فشانی کرده و تاریخ واقعی نهر را بهر مردم بر خواند.

بیت

گفته است آن نائب دانش فراز
کو نباشد چون وجودش شاهباز
رودک زاینده رود خشک و تفت
نیست جز یک رود پست و حقه‌باز
از همان اول نبوده حد کس
خشک بوده همچو صحرای طبس
آمد آن عباس، شاه اصفهان
ساخت این شط، از سر میل و هوس

این سخن و این دُرّ گران مایهٔ برآمده از نافهٔ آهوی ختن، چنان جهانیان را به حیرت انداخت که دانشمندان علوم جغرافیا همگی به سوی اولین جویبار دویده، خشتک خود دریده و گریان و نالان همهٔ نبشته‌جات جغرافی خود را به آب روان سپرده، از نجاست آن پیکر شستند.

بیت

گفتن آن بی‌چاره‌های بی‌سواد
وای بر ما زین همه کور و کری
بعد از آن دانش فزودن، بی‌حساب
بُرد از ما، جام بازی را خری

چنان شد که از بلاد ینگه و یوروپیه، نامهٔ استغفار به سوی دارالعمارهٔ یزد روان شد و علمای دهر چکمه از پای گشوده، به گردن آویخته، به رسم طلب غفران، به زانو درآمده، به سوی آن بزرگ علمای دهر، نائب زرین کمر یزد کشان کشان می‌روند:

بیت

ناله‌ها برخاست از اهل علوم
از راجرز و جفری و مشتی غلوم
ای بزرگ علم ای دام‌دادم دلوم
کارها را ول کن و وخیز بیا روم

احتمال سرقت این بزرگ شفتالو در برف و لامپ ویژهٔ کم مصرف، وحشتی عظیم در میان یزدیان برانگیخته و محض اطمینان از ربوده نشدن آن وجود مبارک، مدتی است که وی را در قنات‌های دولت آباد که پس از خشکیدن گاوخونی برای همیشه خشکیده، پنهان می‌کنند.

خدایش وی را برای خلق ایران حفظ نمایاد..!



MollaNasroddin Satire Magazine 37

msn.agancy©Cartoon
msn-agancy.ir





Jen Psaki |
White House Press Secretary